



دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری مبتنی بر شرط تعدیل با رویکردی بر فقه

فاطمه امیری^{*۱}

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قرارداد اساسی‌ترین ابزار دولت برای اعمال امور حاکمیتی و تصدی‌گری به شمار می‌رود. صحبت درباره تعدیل قرارداد زمانی معنا پیدا می‌کند که تعادل و برابری تعهدات مربوط به قرارداد، مخدوش شده باشد. از جمله مواردی که این پیامد را به دنبال دارد، افزایش نرخ ارز، نوسان اوضاع اقتصادی، افزایش بی سابقه قیمت کالا و خدمات و کاهش ارزش پول ملی و به عبارتی، دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد است. تحقیق حاضر در تلاش است تا در زمینه دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری مبتنی بر شرط تعدیل با رویکردی بر فقه به مطالعه و بررسی بپردازد. **مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتاب‌خانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانت‌داری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق ایران، تعدیل در قراردادهایی که شرط تعدیل پیش‌بینی نشده نیز جریان می‌یابد، که از آن با عنوان تعدیل قانونی یاد می‌شود.

نتیجه: دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری ممکن است به تعدیل شرایط قرارداد و بازنگری در آن منجر شود، به طوری که در نهایت بتوان به توازن حقوق طرفین دست یافت و از بروز اختلافات و دعاوی جلوگیری کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۴-۱۱۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

دشوار شدن، اجرای تعهد، قرارداد تجاری، شرط تعدیل، فقه.

نویسنده مسئول:

فاطمه امیری

آدرس پستی:

ایران، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

دامغان، گروه حقوق.

تلفن:

کد ارکید:

پست الکترونیک:

Fatemehamiri1403@gmail.com

۱. مقدمه

اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

در حقوق ایران، تعدیل در قراردادهایی که شرط تعدیل بیش‌بینی نشده نیز جریان می‌یابد که از آن با عنوان تعدیل قانونی یاد می‌شود.

۵. بحث

به منظور تبیین موضوع دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری مبتنی بر شرط تعدیل با رویکردی بر فقه، مباحث ذیل مطرح می‌گردد.

۵-۱. مفهوم تعدیل

تعدیل مصدر باب تفعیل و از ریشه «عدل» می‌باشد (فیومی، ۱۴۲۵، ۳۹۶). برخی از علمای لغت آن را به معنی برابر کردن، سامان دادن، هم وزن کردن دو چیز با یکدیگر (فیومی، همان، ۳۹۶) و راست کردن چیزی می‌دانند (همان، ۳۹۶). طبق دیدگاهی دیگر، به معنای برابری و صحت و عدالت است (نفیسی، بی‌تا، ۲، ۹۰۴). هم‌چنین در معنایی دیگر به تخفیف جرائم نیز به کار رفته است، و پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «و بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ: با موازنه و برابری، اجزاء عالم آسمان ها و زمین ایستاده‌اند» (سیاح، ۱۳۶۵، ۲، ۱۰۱۷). تعدیل در لغت به یک معنا به عدل، انصاف و برابری اشاره دارد و در معنی دیگر، به مورد تجدیدنظر قرار دادن، تغییر دادن، تعویض کردن و تبدیل کردن برای تعدیل به کار رفته است (میرزایی، ۱۳۷۷، ۴۲۴). از دیگر نظر، کلمه تعدیل مفهوم

اشخاص با انعقاد قرارداد، سعی در شکل دادن به تعهدات خود داشته و تلاش می‌نمایند که با پیش-بینی شروط مختلف، خود را از اختلافات بعد از انعقاد قرارداد برهانند. بحث تعادل عوضین و شرایط ایفای تعهدات، در عقود معوضی که مستمر بوده و آنی نیست، به طرز چشم‌گیری دارای اهمیت بوده و برای هر دو طرف عقد واجد وصف اساسی است. در طی دهه اخیر کشور، اوضاع اقتصادی متغیر و افزایش بی‌سابقه قیمت کالا و خدمات که بعضاً در مدت بسیار کوتاهی نیز رخ می‌دهد، پیامد کاهش ارزش پول ملی است. اثر مستقیم این نوسان‌های اقتصادی بر قراردادهای غیرقابل انکار بوده و در مواردی، طرفین قرارداد را در شرایط پیچیده‌ای از حیث اجرا تعهدات قرار می‌دهد، که می‌توان از آن، تحت عنوان «دشوار شدن اجرای تعهد» یاد کرد، که این رویداد، لزوم تعدیل مبلغ قرارداد را به عنوان یک ضرورت مسلم، بیش از پیش آشکار می‌سازد. در این تحقیق سعی می‌شود که دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری مبتنی بر شرط تعدیل با رویکردی بر فقه مورد بررسی قرار گیرد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتاب-خانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است و روش جمع‌آوری

حقوق طرفین قرارداد انجام می‌شود. این عمل می‌تواند به تعدیل سهام نیز مربوط شود، بدین معنا که اگر یکی از طرفین قرارداد یا شریکان به دلایلی نتوانند به تعهدات خود عمل کنند، ممکن است بر اساس ارزش دارایی‌ها و سهم‌های هر طرف، تعدیل‌هایی صورت گیرد تا حقوق تمام طرفین به‌طور عادلانه رعایت شود. این فرآیند معمولاً نیازمند توافقات جدید و ممکن است مستلزم ارزیابی مجدد دارایی‌ها و بدهی‌ها نیز باشد و همچنین به معنی تجدیدنظر و بازنگری در مواردی است که برابری طرفین منحل شده باشد (انصاری، ۱۳۸۶، ۱، ۷۰۳).
سؤالی که در این رابطه به ذهن می‌رسد این است که آیا تعدیل شامل بخشش طلب می‌گردد؟ آیا بخشیدن اجاره که در دوران کرونا بیشتر موضوعیت یافت، مشمول عنوان تعدیل می‌گردد یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت که نظر به معنای لغوی تعدیل، موارد مذکور را می‌توان به عنوان تعدیل تلقی نمود، هر چند که به معنای اصطلاحی، تعدیل قراردادی حول محور قیمت می‌چرخد؛ اما این تعریف از باب بیان وجه غالب تعدیل، یعنی تعدیل قیمت می‌باشد. لذا این وجه نمی‌تواند از باب حصر باشد، بلکه بسته به شرایط مختلف قابل توسعه است.

۵-۲. قرارداد

قرارداد مترادف و هم معنی با عقد است با این تفاوت که بیشتر مواقع، واژه عقد تنها در عقود معینه استفاده می‌شود و حال آنکه قرارداد به تمام عقود گفته می‌شود که خواه معینه باشد خواه غیر معینه و طبق ماده ۱۰ قانون مدنی: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را بسته اند در صورتی که

مخالف با ظلم دارد و این کلمه را امری میان افراط و تفریط می‌شناسند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۸۱).
بدین جهت تعدیل به معنای برابری و مساوات است چرا که برابری و مساوات امریست که هر گونه افراط و تفریط را رد کرده و فرد را به میانه سوق می‌دهد، بنابراین ستم را به صورت مستقیم رد، و چیزی را که مقتضی مساوات حقیقی بین طرفین است حاکم می‌کند (فراهیدی، بی‌تا، ۲، ۳۸). برخی هم به این مهم اشاره داشته‌اند که کلمه عدل معانی مخالف و متضادی دارد که یکی از آن‌ها دلالت بر برابری دارد و معنی دیگر آن از دلالت بر کجی و نادرستی سخن می‌گوید (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۲۴۶). تعدیل از یک نظر گواهی بر عدالت دادن کسی است. گواه مذکور را شاهد تعدیل و شاهد تزکیه گویند. این واژه در برابر «جرح» به کار می‌رود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۲، ۱۲۸۱). لغت‌دانان دیگری نیز در شرح واژه تعدیل، معانی‌ای را توضیح داده‌اند که متناسب با معانی فقهی آن بوده و می‌گویند: تعدیل قسمت کردن چیزی به اعتبار ارزش یا منفعت است نه به اعتبار اندازه، پس جایز است که دادن کمترین جزء را نیز تعدیل نامید. همین‌طور عدل، به برقراری تعادل در وزن و مقدار هم گفته می‌شود (فیومی، ۱۴۲۵، ۱ و ۲، ۳۹۶). عده‌ای، عدل را به معنی قوام دادن به یک شیء دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ م، ۹، ۸۴). قوام دادن به یک شیء متضمن این است که آن چیز نظام‌مند، مدون و منسجم باشد. پس تعدیل در مبحث معاملات به این معنی است که معامله‌ای که به علت اختلاف ارزش عوضین در معرض فروپاشی است، تعدیل آن باعث می‌شود که معامله قوامی دوباره پیدا کند. تعدیل قرارداد به معنای تقسیم مال مشترک به سهم مساوی است که معمولاً به منظور حفظ عدالت و توازن در

۳) شکل دیگری از تعدیل را «تعدیل قضایی» گویند، و این مورد وقتی موضوعیت پیدا می‌کند که نه در توافق طرفین به هر یک از اقسام گفته شده و نه در ضوابط قانونی، پیش‌بینی ویژه‌ای در خصوص تعیین تکلیف قرارداد در صورتی که تعادل و توازن آن به هم نخورد؛ بلکه قاضی اختیار این را داشته باشد که به تعدیل قرارداد و هماهنگ کردن محتوای آن با شرایط جدید اقدام کند (مزارعی، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

در این قسمت در صدد بررسی فرضی هستیم که طرفین در شرایط خصوصی، در خصوص شرط تعدیل قیمت یا سکوت اختیار کردند و یا شرط عدم تعدیل را با این قصد و نیت که از زمان انعقاد قرارداد تا زمان پایان اتمام عملیات اجرایی، تعادل عوضین بر هم نمی‌خورد و قیمت مربوط به مصالح و نیروی انسانی افزایش یا کاهش پیدا نخواهد کرد، پیش‌بینی نکردند، اما به دلیل بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی از قبیل نرخ افزایش ارز و بحران‌های اقتصادی، قیمت اقلام و اجناس به شدت تحت تأثیر این نوسانات در قیمت‌ها قرار گرفته و انجام تعهد و قرارداد را برای یکی از طرفین بسیار دشوار کرده است.

در این قسمت در صدد پاسخ‌گویی به این سوال هستیم که زمانی که اجرای تعهد برای تعهد به دلیل مشکل پیش‌بینی نشده نظیر افزایش نرخ ارز بسیار دشوار شد، به‌طور مثال قرارداد کار به دلیل افزایش بی‌رویه‌ی قیمت اقلام و اجناس و هزینه‌ی مربوط به دستمزد نیروی انسانی، اجرای قرارداد (خرید مصالح و پرداخت دستمزدها) برای وی دشوار گردید، امکان تعدیل قیمت قرارداد در این شرایط وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا دشواری در انجام تعهد و اجرای قرارداد به دلیل تغییر بی‌رویه‌ی قیمت‌ها در حقوق

مخالف روشن و آشکار قانون نباشد مؤثر است، گفته می‌شود (امام، ۱۳۷۵، ۲۸).

قرارداد در لغت و محاورت عمومی و همچنین در اصطلاح خاص حقوقی، یکسان بوده و عبارت است از: همکاری دو سویه‌ی اراده‌ی دو یا چند نفر در تشکیل چستی حقوقی (شهیدی، ۱۳۸۰، ۱، ۴۱).

۳-۵. تعدیل قرارداد

تعدیل قرارداد شاهد بر جریان است که به سبب آن با اجتناب از دیدگاه یک جانبه‌گرایی پایان یا اجرای مطلق قرارداد، زمینه‌ای تأسیس شود تا حین دفع ناروایی حاصل از اعمال این نظرگاه، ادامه‌ی رابطه‌ی حقوقی ممکن باشد. این تحلیل، مشتمل بر اصول حقوقی شاهد بر حفظ و رعایت شروط قراردادی از یک جهت و احترام به موضوعات مقرر شده اخلاقی مثل رعایت عدل و انصاف، رفتار همراه با خوش‌نیتی، جلوگیری از سوء استفاده از حق، توجه استفاده و دارا شدن بی‌دلیل و... می‌باشد که بنابر مورد و مساوی با مبانی مورد احترام و تصویب‌شده در هر نظام حقوقی می‌تواند مورد عمل قرار گیرد. تعدیل قرارداد بسته به جایگاه و اصول آن بر سه قسم می‌باشد:

۱) گاهی دو طرف عقد با گفتن شرطی در ضمن عقد یا موافقت بعدی در موقع وقوع حادثه غیرمنتظره و سرنگرفتن تعادل قراردادی، نسبت به تعدیل قرارداد، اقدام می‌کنند که آن را «تعدیل قراردادی» می‌نامند.

۲) گاهی ممکن است که قانون‌گذار به علت دستوراتی، اجازه‌ی تعدیل قرارداد را تجویز کند، این قسم تعدیل را «تعدیل قانونی» گویند.

می‌توان چنین گفت که از آن جایی که عقد تابع قصد طرفین است و بدون قصد و خواست طرفین، قرارداد نه ایجاد می‌شود و نه اثری برایش مترتب می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷، ۱۵۹). باید همین اراده و قصد مبنای تفسیر ما قرار گیرد. بدین صورت که تراضی مفید در قرارداد به معنای توافق و هم‌سویی دو طرف در راستای ایجاد یا تغییر تعهدات و حقوق است. شرط ضمنی بقای اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد عقد به این معناست که طرفین بر این اساس توافق کرده‌اند که شرایط و وضعیت فعلی که در زمان انعقاد قرارداد وجود دارد تا حد معقولی تغییر نکند. تغییرات متعارف نیز به این اشاره دارد که قرار نیست اوضاع به‌طور ناگهانی یا غیرمعمول دستخوش تغییرات عمده‌ای شود و هر تغییری که در این راستا صورت می‌گیرد باید منطقی و مستند به شرایط روز باشد. به عبارت دیگر، طرفین بر این اساس توافق می‌کنند که در صورت تغییرات پیش‌بینی نشده شدید، ممکن است قرارداد یا برخی از مفاد آن نیاز به تجدید نظر داشته باشد. اگر این اوضاع و احوال دگرگون شود شرط نیز اعتبار خود را از دست می‌دهد. یعنی طرفین، همیشه قرارداد را با این فرض منعقد می‌کنند که اوضاع و احوال دچار تغییر و دگرگونی نشود و در صورت به‌هم خوردن این شرط، نهایتاً باید قرارداد را منطبق با شرایط جدید منطبق کنند (تعدیل قرارداد) یا به فسخ قرارداد تن دهند (بیگدلی، ۱۳۸۸، ۱۲۳). چنان که یکی از حقوق دانان قرون وسطی به نام «هفتر» «Hefter» می‌گوید: «وقتی تغییر اوضاع و احوال زمان عقد، قیود اصلی معاهده را سست کند، می‌توان درباره اصل وفای به عقد و احترام به عقد استثنایی قائل شد». بنابراین طبق نظر اکثر مفسران رومی، تغییر اوضاع و

ایران و فیدیک می‌تواند عاملی باشد برای تعدیل قیمت قراردادهایی که در آن، شرط عدم تعدیل شده است و یا در خصوص شرط تعدیل، طرفین سکوت اختیار کرده‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مبانی توجیه‌کننده تعدیل در صورت دشوار شدن اجرای تعهد در فقه را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی امکان تعدیل قراردادهای فاقد شرط تعدیل در حقوق ایران می‌پردازیم.

۵-۴. مبانی فقهی و حقوقی تعدیل قرارداد در صورت دشوار شدن اجرای تعهد

جهت توجیه امکان تعدیل قراردادهای فاقد شرط تعدیل قیمت در حقوق ایران لازم است که به قواعد و ابزارهای حقوقی و فقهی متمسک شویم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- نظریه شرط ضمنی، ۲- نظریه غبن حادث (برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد)، ۳- قاعده نفی حسر و خرج (لاخرج)

الف) نظریه شرط ضمنی

این نظریه، زاده بحران‌های اقتصادی در عصر کنونی ماست، بحران‌هایی که موجب افزایش بی‌رویه و شدید قیمت اجناس و اقلام و کالاها شده است به گونه‌ای که اجرای تعهد را برای متعهد به‌خصوص در قراردادهای با اجرای طولانی مدت، بسیار سخت و دشوار نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳، ۵۴). سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این تغییرات نامتعارف در قلمرو تراضی طرفین قرارداد جای می‌گیرد؟ آیا احترام و لزوم پای بندی به مفاد عقد، مشروط به اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد و تغییرات متعارف نیست؟ در پاسخ به این سؤال

نماید. عسر و حرج به وضعیتی اشاره دارد که ادامه قرارداد برای یکی از طرفین به دلایل معقول و منطقی دشوار، غیر قابل تحمل یا غیرمنصفانه شود. در این صورت، قانون به طرف زیان دیده اجازه می‌دهد که با مراجعه به دادگاه، وضعیت خود را تعدیل کند یا قرارداد را فسخ نماید. این موضوع به حفظ عدالت در قراردادها و جلوگیری از سوءاستفاده از شرایط نامساعد کمک می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ۱، ۵۳۵). پس در نتیجه از املاک این قاعده در خصوص رویدادهای نامنتظر که تعادل قراردادی را حتی در زمان اجرای قرارداد برهم می‌زند نیز، می‌توان استفاده کرد.

ج) قاعده نفی حسر و حرج

علاوه بر دو مورد ذکر شده، به قاعده لاحرج نیز در خصوص امکان تعدیل قراردادی که به دلیل وقوع حوادث پیش‌بینی نشده، اجرائش دشوار شده است، می‌توان استناد کرد. از نظر فقهی منظور از این قاعده، تکالیفی است که موجب مشقت برای مکلف شده است و در دین وضع نشده است، نفی شده است (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۹۶). آیه‌ی مهمی که در بحث از عسر و حرج به آن استناد شده، آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی مبارکه‌ی حج است: «و جاهدوا فی الله حق جهاده، هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج...»، به این معنی که: چرا در راه خدا آن چنان که باید جهاد و کوشش نمی‌کنید، در حالی که شما برگزیده شده اید و در شریعت حکم حرجی بر شما وضع نشده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱، ۱۶۳) و نیز آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» که بر اساس این آیه نیز به‌طور مطلق حرج نفی شده است (یثربی، ۱۳۸۵، ۲۱۸). بر اساس این قاعده، هر

احوال، می‌تواند اصل الزام‌آور بودن عقود را از حالت اطلاق درآورد و آن را در مواردی که قرارداد با تغییرات اساسی در ارکانش، مواجه است، تحت الشعاع قرار دهد (حکمت، ۱۳۶۴، ۳۷).

ب) نظریه غبن حادث

خیار غبن به‌عنوان یکی از مباحث مهم مربوط به قواعد عمومی قراردادها است که به منظور جبران زیان ناشی از برهم خوردن نامتعادل بودن عوضین، توسط قانون‌گذار وضع شده است.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که، با توجه به این که اختیار فسخ به مغبون که دچار غبن فاحش شده است و جاهل نسبت به قیمت بوده است (ذهنی تهرانی، ۱۴۰۵، ۱۱، ۲۴۲). در قانون مدنی، محدود به زمان انعقاد قرارداد شده است، آیا امکان استفاده از غبن برای زمان اجرای قرارداد و در خصوص قراردادهایی که به دلیل تحولات شدید اقتصادی، تعادل اقتصادی بین دو عوض در زمان اجرای قرارداد بر هم خورده و موجب دگرگونی چهره‌ی عقد شده است، نیز وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، علی‌رغم ادعای اجماعی که فقها بر این مسئله دارند که معیار افزایش یا کاهش قیمت فقط محدود به زمان عقد می‌شود (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۴، ۳، ۲۰۳). می‌توان چنین استدلال کرد که همان‌طور که عدم تعادل عوضین در زمان عقد می‌تواند برای طرفین در زمان انعقاد عقد خیار غبن ایجاد کند. هم‌چنین اگر حوادث غیرقابل پیش‌بینی و دور از انتظاری در زمان اجرای قرارداد سبب برهم خوردن تعادل عوضین شود و طرف زیان دیده دچار عسر و حرج گردد، او می‌تواند از دادگاه درخواست تعدیل قرارداد یا فسخ آن را

ملاک این قاعده می‌توان استفاده کرد که اگر چنانچه به علت بروز حوادث پیش‌بینی نشده، اجرای قرارداد برای متعهد سخت و دشوار گردید، بنا به حکم ثانوی خواستار تعدیل قرارداد شود. برای مثال، اگر تغییرات ناگهانی اقتصادی در قراردادهای قراردادی موجب شود که قیمت مصالح پای کار افزایش شدیدی نسبت به زمان انعقاد قرارداد و آنچه طرفین بر مبنای آن تراضی کرده‌اند، پیدا کند و در نتیجه این تفاوت فاحش قیمت‌ها، انجام تعهد برای متعهد (قرارداد کار) سخت و دشوار گردد و وی دچار غبن فاحش گردد می‌تواند خواستار تعدیل یا فسخ قرارداد شود، اگرچه برخی از حقوق‌دانان معتقدند که عدم توانایی مالی (تعذر مالی) نمی‌تواند سبب خودداری متعهد از ایفای تعهداتش شود و نمی‌تواند به بهانه تعذر معاف شود از اجرای تعهداتش (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۲۵۰).

۵-۵. تعدیل قراردادهای فاقد شرط تعدیل به دلیل دشواری اجرای تعهد

هدف از ذکر مبانی فقهی توجیه‌کننده شرط تعدیل در صورت تغییر شرایط و اوضاع و احوال و دشواری در اجرای قرارداد توسط متعهد (قرارداد کار) در قسمت قبل، پاسخ به این سؤال بود که آیا امکان تعدیل قضایی قراردادهای دولتی که در شرایط خصوصی آن شرط عدم تعدیل قیمت پیش‌بینی شده است یا در این خصوص طرفین سکوت اختیار کرده‌اند و در زمان اجرای قرارداد به دلیل وقوع بحران‌های اقتصادی و تورم، قیمت کالاها و مواد اولیه به‌طور چشم‌گیری تحت تأثیر قرار می‌گیرد، وجود دارد؟ آیا قانون‌گذار نیز برای جلوگیری از ورود خسارت به طرفی که متعهد به خرید این اجناس است و در نتیجه نوسانات در قیمت‌ها، انجام تعهد

چیزی که مردم به آن فرمان داده شده‌اند، در حد توانایی آن‌ها است و اگر چیزی از حد توان آن‌ها خارج است، از عهده آنان نیز خارج است (بجنوردی، ۱۴۱۰، ۱، ۲۱۹). قاعده نفی عسر و حرج در نظام حقوقی ایران به‌عنوان یکی از اصول کلیدی مطرح است و به مقصود حفظ حقوق فردی و جلوگیری از تحمیل مشقت غیرمعقول و سختی بر مکلفین در موارد مختلف به‌کار می‌رود. در صورتی که اجرای یک حکم یا وظیفه قانونی برای شخصی ایجاد عسر و حرج کند، طبق این قاعده، می‌توان گفت که به‌طور ثانوی، تکلیف از عهده وی ساقط می‌شود و مکلف از اجرای آن معاف می‌گردد. این اصل در فقه اسلامی و در قوانین موضوعه ایران نظیر قانون مدنی و سایر قوانین مرتبط، به‌ویژه در مباحث مرتبط با قراردادهای جزا و امور خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی، این قاعده باعث می‌شود که حقوق و آزادی‌های افراد در برابر تکالیف و الزاماتی که بر دوش آن‌ها قرار می‌گیرد، حفظ شود و به‌ویژه در شرایطی که شرایط غیر معقول و غیر منصفانه‌ای پیش می‌آید، حمایت حقوقی لازم فراهم گردد. در نتیجه، قاعده نفی عسر و حرج به‌عنوان یک اصل حقوقی اساسی تأکید بر عدالت، انصاف و اخلاق در روابط حقوقی و اجتماعی دارد. از جمله در ماده اصلاح شده ۱۱۳۰ قانون مدنی در سال ۱۳۷۰ اصطلاح عسر و حرج صریحاً آمده و چنین می‌گوید: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند و چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود» (طاهری، ۱۳۸۷، ۱، ۲۵۴). در نتیجه از

تعدیل می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرد زیان دیده به خواست خود و اطلاع و آگاهی نسبت به شرایط موجود با پیش‌بینی شرط عدم تعدیل، خود مقدمات زیانش را مهیا کرده و به ضرر خود اقدام نموده است، پس حق هر گونه مطالبه از دادگاه از جمله حق درخواست تعدیل قیمت قرارداد، حق فسخ قرارداد و حق خسارت را ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱، ۲۲۳). اصل حفظ تعادل و توازن اقتصادی در قراردادها به‌ویژه در قراردادهای مستمر و بلندمدت از اصول بنیادین حقوقی محسوب می‌شود. این اصل به گونه‌ای طراحی شده است که مهم‌ترین هدف آن تأمین منافع و حقوق طرفین است و این تعادل باید تا پایان مدت مقرر و اجرای کامل تعهدات باقی بماند. قاعده‌ای که اشاره کردید، «حکومت اراده بر عقد» نیز تأکید دارد بر این که هر قراردادی باید بر اساس اراده و خواست مشترک طرفین منعقد شود و باید به گونه‌ای تنظیم شود که حقایق اقتصادی و اجتماعی قابل پیش‌بینی و متعارف نیز در آن لحاظ شده باشد. بر این اساس، اگر شرایط اقتصادی یا اجتماعی به طور غیر معمول تغییر کند و این تغییر بر تعادل عوضین تأثیر بگذارد، این مسئله می‌تواند به چالش‌هایی برای طرفین منجر شود. به همین دلیل، در قراردادهای بلندمدت، از جمله قراردادهای دولتی، لازم است که طرفین به دقت شرایط اقتصادی و ریسک‌های احتمالی را مد نظر قرار دهند و در صورت لزوم، مکانیزم‌های تعدیل و تنظیم مجدد قرارداد را پیش‌بینی کنند تا از بروز تنش‌ها و اختلافات جلوگیری شود. سازوکارهایی که می‌توانند به حفظ تعادل اقتصادی در این نوع قراردادها کمک کنند، شامل قراردادهای قابل تعدیل، پیش‌بینی شرایط اضطراری و مذاکره‌های مستمر هستند که به طرفین

برایش دشواری می‌شود، تدابیری اتخاذ کرده است؟ لازم به ذکر است که علی‌رغم این که تعدیل قرارداد به دست مقام قضایی ممکن است و همچنین در فقه ما نیز این امر پذیرفته شده است؛ اما قانون‌گذار تا کنون تمایلی به وضع مقرره‌ای عمومی و قاعده‌ای کلی در این زمینه نشان نداده است (بیگدلی، ۱۳۸۸، ۴۳۵). بنابراین می‌توان این نتیجه را در مورد قراردادهای قراردادی دولتی استنتاج کرد. در این نوع قراردادها، اگر شرط عدم تعدیل به‌طور واضح و قابل پیش‌بینی درج شده باشد، و در نتیجه تغییرات شدید قیمت‌ها یا دیگر عوامل اقتصادی، تعادل عوضین به هم بخورد، این مسئله می‌تواند این حق را برای طرف زیان‌دیده ایجاد کند که نتواند به راحتی از دادگاه تقاضای تعدیل قضایی کند. در شرایطی که تغییرات غیر قابل پیش‌بینی و شدیدی در بازار به وقوع بپیوندد و به‌طور معقول و منطقی بر تعادل اقتصادی قرارداد تأثیر بگذارد. این می‌تواند به عدم امکان اجرای تعهدات و ایجاد عسر و حرج برای یکی از طرفین منجر شود. به‌ویژه در قراردادهای دولتی که معمولاً شرایط و قواعد خاص خود را دارند، این مسائل می‌تواند موجب چالش‌های جدی گردد. با این حال، در هر صورت باید توجه داشت که قوانین و مقررات خاصی برای رسیدگی به این نوع موارد وجود دارد و ممکن است بستگی به شرایط و نوع قرارداد، مکانیسم‌هایی برای رسیدگی به مشکلات ناشی از تغییرات اقتصادی پیش‌بینی شده باشد. بنابراین، هرچه بیشتر به جزئیات قرارداد و شرایط خاص آن دقت شود، امکان دستیابی به راه‌حل‌های مناسب و منصفانه بیشتر خواهد بود. زیرا شرط عدم تعدیل از خواست و اراده مشترک طرفین بر می‌خیزد و یا تفسیر اراده ظاهری طرفین مبنی بر درج شرط عدم

بودن اثر قانون می‌باشد؛ اما در بعضی از موارد، اقتضای ضرورت‌های اجتماعی این است که قانون-گذار هر جا که نظم عمومی در معرض خطر باشد، قانون را بر قراردادهایی که در جریانند حاکم کند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳، ۵۳۲). بنابراین در خصوص قراردادهای دولتی که یک طرفش دولت (کارفرما) بوده و دولت هم به عنوان یک اراده بالاتر حاکم و ناظر بر تمام روند انعقاد عقد تا پایان اجرای پروژه‌های دولتی به منظور حفظ تعادل اقتصادی در قرارداد می‌باشد. قطعاً در صورت روبه‌رو شدن با شرایطی که به علت بروز بحران‌های شدید اقتصادی تعادل مالی در عقد بر هم می‌خورد، به منظور پیش‌گیری از ورود ضرر، اقدام به تصویب و ابلاغ بخش‌نامه‌هایی می‌کند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱ و زمانی که ضریب تغییر و تغییرات اقتصادی فوری‌تر از گذشته شده بود و به تبعیت از آن قیمت پول (دلار) به طور چشم‌گیری افزایش پیدا کرده بود، در نتیجه‌ی آن قرارداد کارانی که موظف به خرید مصالح از خارج از کشور بودند، با این تغییر غیرمنتظره روبه‌رو شدند و به دلیل این که قیمت پیش‌بینی شده مصالح و بنابراین قیمت تحقق شده تمام قرارداد در زمان بستن آن با این قیمت‌های فعلی در زمان انجام قرارداد، تفاوت چشم‌گیری داشت، قرارداد کاران متحمل ضرر می‌شده و از انجام تعهد خود ناتوان می‌شدند و عاقبت اتمام پروژه به سبب بالا رفتن بی‌رویه قیمت‌ها به عقب می‌افتاد. پس برای پیش‌گیری از این خسارات احتمالی سازمان مدیریت و بخش‌نامه‌ای به شماره و تاریخ ۵۳۰۲۴/۹۲ - ۲۳/۰۶/۹۲ با موضوع «نحوه‌ی جبران اثرات تغییر قیمت ارز در قراردادهای فاقد تعدیل» به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و نیز قرارداد کاران ابلاغ کرد. در این بخش‌نامه این‌گونه

این امکان را می‌دهد که در مواجهه با تغییرات، به توافقات جدیدی دست یابند. بنابراین، حفظ تعادل اقتصادی و اجرای قرارداد مناسب در طول زمان به همکاری و حسن نیت طرفین نیاز دارد تا حقوق و منافع همه ذی‌نفعان به خوبی تأمین شود؛ اما در پاسخ به این سؤال که آیا در خصوص امکان تعدیل قراردادهای فاقد شرط تعدیل قیمت، قانون‌گذار تدابیری اتخاذ کرده یا خیر می‌توان گفت که به طور کلی تعدیل قانونی در حقوق ایران پذیرفته شده است. به‌طور مثال ۱- به مواد مربوط به «لایحه قانونی شیوه تخلیه ساختمان‌های اجاره‌ای توسط وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی» در آبان ۱۳۵۸ تبصره‌ای افزوده با این توضیح که «آرای صادر شده از محکمه‌های دادگستری که با توجه ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر که در سال ۱۳۵۶ بر تعدیل علیه دولت بعد از تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ صادر و تصویب شده و به مرحله اجرا در نیامده باشد، به درخواست مستأجر موقوف‌الاجرا بوده و دادگاه مسئول است با جلب نظر کارشناس، حکم صادره را با تعیین اجاره بهای منصفانه تصحیح کند. این حکم قطعی می‌باشد»، ۲- قاعده‌ی الحاق تبصره‌ای مربوط به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در رابطه با ارزیابی مهریه زنان به نرخ روز مصوب ۱۳۷۶. این‌ها نمونه‌های بارزی بودند که مقنن به بهانه تفسیر اراده طرفین و یا با هدف تأمین مصالح اجتماعی و برقراری عدالت معاوضی در قرارداد با حمایت از فرد زیان‌دیده، اراده خود را بر طرفین، تحمیل می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم، علاوه بر اینکه حفظ تعادل قراردادی واجب دانسته که قرارداد، پیرو قانون روز انعقاد خود و مقررات جدید بر آثار قراردادهایی که در جریان اند، حکومتی نداشته باشند و مبنا بر سریع

عقد برای دو طرف پیش‌بینی نباشد و با از بین رفتن شرط، چهره نخستین قرارداد هم تغییر می‌یابد، با ابلاغ کردن این بخش‌نامه و ضابطه‌های موجود در آن شامل تعدیل قرار می‌گیرند؛ اما از حیث چگونگی و نحوه محاسبه با آنچه در بخش‌نامه تعدیل وجود دارد، متفاوت است. البته شایان ذکر است که برای این که این دسته از قراردادها (قراردادهای بدون تعدیل و بدون هر گونه مابه‌التفاوت ضوابط این بخش‌نامه را شامل می‌شوند، می‌بایست مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از طرف قرارداد کار قبل از ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ بوده باشد، به معنی اینکه تاریخ مناقصه به قبل از وقوع تورم و قبل از بروز بحران‌های اقتصادی و به تبع آن تغییرات نرخ ارز (۱۳۹۱/۰۵/۰۱) مربوط باشد و قرارداد براساس این نرخ، بسته شده باشد و تاریخ اجرای قرارداد از این زمان به بعد انجام گیرد، پس چنانچه تاریخ پیشنهاد قیمت از زمان ۱۳۹۱/۰۵/۰۱ به بعد باشد و با این حال باز هم شرط عدم تعدیل پیش‌بینی شده باشد، می‌شود این گونه تشریح کرد که دو طرف قرارداد با علم به شرایط موجود اقدام به بستن قرارداد کرده‌اند و خود مقدمات زیان ناشی از نوسانات نرخ ارز را به خود فراهم کرده‌اند، پس این قسم از قراردادها مشمول ضوابط این بخش‌نامه نشده و طبق اصل لزوم در قراردادها، باید به مفاد قرارداد خود (همان شرط عدم تعدیل)، ملتزم باشند.

۶. نتیجه

در حقوق قراردادهای تجاری، شرط تعدیل به معنای تغییر شرایط اجرای قرارداد به دلیل بروز وقایع غیر منتظره و غیر قابل پیش‌بینی است که ممکن است به دشواری اجرای تعهدات منجر شود. این شرط معمولاً با این تصور ایجاد می‌شود که طرفین باید

آمده است: «به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و نظام فنی و اجرایی کشور، با توجه به دگرگونی و شرایط جدید ثبت سفارش واردات کالا، طبقه‌بندی و اولویت بندی کالاهای وارداتی و قیمت ارز این دستورکار که شورای عالی فنی آن را تصویب کرده و شامل دو روش است، با هدف جبران اثرات ناشی از افزایش قیمت ارز، در قراردادهای ریالی بدون تعدیل نرخ قرارداد و بدون پرداخت هر گونه مابه‌التفاوت که روز آخر مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از سوی قرارداد کار (یا سازنده مصالح و تجهیزات) قبل از ۱۳۹۱/۵/۱ بوده و قرارداد بر اساس آن بسته شده به شرح زیر اعلام می‌گردد تا دستگاه‌های اجرایی قواعد این بخش‌نامه را به عملکردهای پس از ۱۳۹۱/۱/۱ تا ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ اعمال و این مبلغ را به شکل قطعی برای جبران آثار تغییر قیمت ارز پرداخت کنند.» «بخش‌نامه برای همکاران ایجاد تکلیف می‌کند بدین معنی که کارکنان به حکم انضباط مبتنی بر سلسله مراتب موظف به اطاعت از صورت دستور مقام مافوق محسوب می‌شوند و در مقام خطاب به همکاران کاربرد داخلی دارد و از زمره عمومی خارج است و اصولاً برای مردم ایجاد تکلیف نمی‌کند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ۲، ۳۳۸). عطف به اینکه این بخش‌نامه توسط شورای عالی فنی و در حکم قانون لازم‌الاجرا می‌باشد مصوب شده است، حتی قراردادهایی که در آن شرط عدم تعدیل شده است هم با توجه به این که در زمان بستن قرارداد، پیش‌بینی این تغییرات آشکار در خصوص قیمت ارز ممکن نبوده و یا تفسیر نیت و اراده‌ی باطنی دو طرف مبنی بر اینکه تراضی آنان مفید به حفظ تعادل اقتصادی عوضین تا پایان مدت قرارداد و تغییرات معمول بوده است، پس با حادث شدن تغییرات نامتعارفی که در زمان انعقاد

توانایی اجرای قرارداد را بدون تحمیل بار اضافی یا غیر منصفانه بر یکدیگر حفظ کنند. از منظر فقهی، دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری می‌تواند نتایج مختلفی به همراه داشته باشد: عدالت و انصاف، فقه اسلامی بر اصول عدالت و انصاف تأکید دارد. بنابراین اگر یکی از طرفین قرارداد با دشواری‌های قابل توجهی در اجرای تعهدات خود مواجه شود، می‌تواند به‌عنوان دلایل موجه برای درخواست تعدیل شرایط قرارداد مطرح شود. احقاق حقوق، فقه به احقاق حقوق طرفین قرارداد اهمیت می‌دهد. در صورتی که یک طرف نتواند به دلیل دشواری‌های ناشی از شرایط غیر مترقبه به تعهداتش عمل کند، می‌تواند درخواست تعدیل شرایط را داشته باشد تا حقوق طرف دیگر نیز محفوظ بماند. قانون‌مداری، در قراردادهای تجاری بر اساس الفاظ و مفاد قرارداد و همچنین شرایط خاص آن، طرفین می‌توانند به توافقات و صیغه‌هایی دست یابند که به تنظیم وضع موجود و تسهیل اجرای آن کمک کند. نتیجه‌گیری این است که دشوار شدن اجرای تعهد در قرارداد تجاری ممکن است به تعدیل شرایط قرارداد و بازنگری در آن منجر شود، به طوری که در نهایت بتوان به توازن حقوق طرفین دست یافت و از بروز اختلافات و دعاوی جلوگیری کرد.

۷. مشارکت نویسندگان

در انجام تحقیق حاضر، تمامی نویسندگان به‌طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

منابع

فارسی

- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۴.

- محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، چاپ بیست و هشتم، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳.

- مزارعی، علی، تئوری عدم پیش‌بینی و تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.

- مصطفوی، محمد کاظم، القواعد، قم، چاپ سوم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

- میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصلاحات معاصر، قم، للطباعة و النشر دار الاعتصام، ۱۳۷۷ ش.

- نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، چاپ انتشارات مروی، بی‌تا.

- هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، چاپ ۱۵، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- یثربی، علی محمد، قواعد فقه استدلالی، تهران، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.

منابع عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

- بجنوردی، میرزا حسین، القواعد الفقهیه، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.

- امام، سید محمد رضا، بررسی تطبیقی عقود، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

- انصاری، مسعود؛ طاهری، محمدعلی، دانش‌نامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۶.

- بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتاب‌خانه گنج دانش، ۱۳۷۸.

- حکمت، محمد علی، تاثیر تغییر اوضاع و احوال در اعتبار معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، مجله حقوق، شماره ۳، زمستان ۱۳۶۴.

- سیاح، احمد، لغت‌نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۵.

- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰.

- طاهری، حبیب‌الله، قواعد فقه، قم، چاپ اول، دفتر نشر وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۸۷.

- کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری و مسئولیت مدنی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۰.

- حسينى زيدي، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، على شيرى، اول، بيروت، دارالطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٤ق.
- ذهنى تهرانى، جواد، المباحث الفقيه فى شرح الروضه البهيه، چاپ اول، انتشارات وجدانى، قم، ١٤٠٥ق.
- عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين ابن على، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم، چاپ اول، مؤسسه معارف اسلامى، ١٤١٤ق.
- فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، المخزومى مهدى، السامرائى، ابراهيم مى جاء دار و مكتبة الهلال، بى تا.
- فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير، قم، انتشارات هجرت، ١٤٢٥ق.
- مكارم شيرازى، ناصر، القاعده الفقيهيه، قم، چاپ اول، مدرسه امام امير مومنين، ١٤١١ق.
- نراقى، احمد بن محمد مهدى، عوائد الايام، چاپ اول، مركز نشر مكتب اعلام اسلامى، قم، ١٤١٧ق.

Making it Difficult to Implement the Obligation in a Commercial Contract Based on the Adjustment Clause with an Approach to Jurisprudence

Fatemeh Amiri^{1*}

1. Master of Private Law, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 104-117

Article history:

Received: 25 Jun 2019

Edition: 6 Sep 2019

Accepted: 14 Nov 2019

Published online: 4 Apr 2020

Keywords:

Difficulty, performance of obligation, commercial contract, adjustment condition, jurisprudence.

Corresponding Author:

Fatemeh Amiri

Address:

Iran, Damghan, Islamic Azad University, Damghan Branch, Department of Law.

Orchid Code:

Tel:

Email:

Fatemehamiri1403@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The contract is considered the most basic tool of the government for the implementation of governance and management affairs. Talking about the adjustment of the contract becomes meaningful when the balance and equality of the obligations related to the contract have been disturbed, including the cases that follow this consequence, the increase in the exchange rate, the fluctuation of the economic situation, the unprecedented increase in the price of goods and services, and the decrease The value of the national currency, in other words, the difficulty of fulfilling the obligation in the contract. The current research is trying to study and investigate the difficulty of fulfilling the obligation in the commercial contract based on the adjustment clause with an approach on jurisprudence.

Materials and Methods: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and was done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Findings: In Iranian law, adjustment in contracts that do not foresee the condition of adjustment also takes place, which is referred to as legal adjustment.

Conclusion: Making it difficult to fulfill the obligation in the commercial contract may lead to adjusting the terms of the contract and revising it, so that the balance of the parties' rights can be achieved and disputes and lawsuits can be avoided.

Cite this article as:

Amiri F. Making it Difficult to Implement the Obligation in a Commercial Contract Based on the Adjustment Clause with an Approach to Jurisprudence. Economic Jurisprudence Studies. 2020.

